



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين إنه خير ناصر ومعين الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وعلي وآلهما الطيبين الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين أبد الآبدين

میقات طور سیناء ۳

با آغاز ماه ذی قعده و شروع ایام میقات طور سیناء و اربعین حضرت کلیم الله (علیه السلام)، بندگان حضرت مولا (منه السلام) و الیه التسلیم) این موسم نورانی را مغتنم شمرده و ضمن همت و تلاش از حضرت حق متعال می خواهند تا از برکات و فیوضات این ایام مبارکه هر چه بیشتر بهره مندشان گرداند. برنامه های مورد اهتمام مومنین در پنج امر خلاصه می گردد: **عبودیت طاعت عبادت خدمت معرفت**. هدایت به هر یک از این زمینه ها و میزان توفیق هر چه بیشتر در همه اینها؛ بستگی به قدر معرفت شخص مؤمن دارد، لذا از اهم برنامه ها؛ افزایش بیوسته این امر می باشد، و این معرفت؛ بخشی برای آشنایی با مقدمات فوق الذکر؛ و بخشی برای شناخت ارزش مکانی و زمانی این موسم نورانی و مناسبتهای واقع در آن و ارتباطات هر یک صرف شده، و بخش مهمتر برای دریافتن معارف نازله از ساخت ربوبی در این میقات الهی بذل شده، و بالاتر از همه این تلاشها و توفیقا؛ همانا سعی در باریابی به نورانیت حق معرفت؛ برای شناخت اسرار غیبی میقات و آن سر متجلی در کوه طور باید باشد، اللهم وفقنا لجميع ذلك فوق رغبتنا و بقدر سعة فضلك و كرمك. یا واسع الفضل والإكرام یا اكرم الأكرمين.

در این مرسوله برای کسب پرتوی از معرفت ایام میقات؛ به شمه ای از وقایع و مناسبتهای این اربعین اشاره می کنیم.

وقایع و مناسبتهای ایام میقات : اول ذی قعده تا دهم ذی حجه

گذشته از اهمیت و ویژگی میقات طور؛ این مقطع زمانی اول ذی قعده تا دهم ذی حجه بستر رخداد وقایع مهم دیگری نیز بوده است، از این رو با معرفت این ایام و مناسبتها؛ ضمن بهره مندی بیشتر از این هنگام؛ همچنین با بذل ولایت در ایام ولایت و انجام برائت در مواقع برائت؛ آئین بندگی بایسته و شایسته را بجای می آوریم، آنچه در این مرسوله اشاره می گردد؛ شمه ای از این موارد بوده که از کتاب شریف فیض العلام فی عمل الشهور و وقایع الأيام؛ محدث قمی نقل می کنیم. پرواضح است که نقل مزبور به معنی بیان نظر مقبول و مبنای منتخب ما نبوده بلکه این نقل چه بسا فاقد وقایع بسیار مهمی بوده و یا ناقل تواریخ مختلفی باشد، و هدف از نقل این متن؛ آشنایی اجمالی با این مناسبتهاست.

باب سوم : وقایع و اعمال ماه ذی القعده

بدانکه این ماه اول ماههای حرام است که حق تعالی در قرآن ذکر فرموده و آنها ذی القعده ، ذی الحجة ، محرم و رجب است که در جاهلیت و اسلام معظم و مکرم بوده اند. و سید روایتی نقل فرموده در آنکه ذی القعده ، محل اجابت دعا است در وقت شدت .

و در روز یکشنبه این ماه نمازی با فضیلت بسیار از رسولخداص روایت کرده که مجملش آنستکه در روز یکشنبه غسل کند و وضو بگیرد و چهار رکعت نماز بگذارد. در هر رکعت حمد يك مرتبه و توحید سه مرتبه و معوذتین یکمرتبه ، پس استغفار کند هفتاد مرتبه و ختم کند استغفار را به لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم . پس بگوید : یا عزیز، یا غفار اغفرلی ذنوبی و ذنوب جمع المؤمنین و المؤمنات فانه لا یغفر الذنوب الا انت .

و بدانکه روایت شده که هر که در یکی از ماههای حرام سه روز متوالی که پنجشنبه و جمعه و شنبه باشد روزه بدارد، ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته شود.

روز : ۵

بنای کعبه: بمقاد آیه و اذیرفع ابراهیم القواعد من البیت و اسمعیل رفع قواعد خانه مکه شد بدست ابراهیم و اسماعیل. بدانکه در بیست و پنجم ذی القعده ، آدم صفی علیه السلام بدستیاری جبرئیل ، خانه کعبه را برآورد و حجرالاسود را نصب کرد و این خانه ، محل اسعاف مطالب و مطاف قادم و ذاهب بود تا دو هزار و دویست و چهل و دو سال از هبوط گذشته که طوفان نوح ، واقع شد و آب تمام عالم را فرو گرفت و اگر چه بیت العتیق از آسیب غرق ، محفوظ ماند، اما چنانچه در تاریخ است بیشتر حائط آن بنا، عرصه هدم و انمجا گشت و بعد از طوفان آن موضع چون تل سرخی مینمود و مردم از آن تل سرخ ، حوائج خود می خواستند و قربانی مینمودند و این بود تا سه هزار و چهارصد و بیست و نه سال بعد از هبوط که حضرت ابراهیم مأمور

به تجدید عمارت خانه مکه شد. پس بمدد اسماعیل و ارشاد جبرئیل بساختن خانه پرداخت. پسر سنگ آوردی و پدر بر روی هم نهادی و چون بمقام حجرالاسود رسید، اسماعیل در پی سنگ نیکویی بود که در خور آن موضع باشد که صدائی از کوه ابوقیس بر آمد که ای ابراهیم! ترا نزد من ودیعتی است و حجرالاسود را که جبرئیل هنگام طوفان در آن کوه پنهان کرده بود، تسلیم ابراهیم کرد و آنحضرت بجای خودش استوار فرمود. و تولیت آن بقعه شریفه را به اسماعیل تفویض نمود.

روز : ۱۱

در این روز، سنه ۱۴۸، ولادت با سعادت حضرت امام رضا علیه السلام واقع شده در مدینه، بنا بر مشهور. و در تعیین اسم والده ماجده اش اختلافست و مشهور در اخبار تکتّم و نجمه است و بعد از ولادت حضرت رضاع طاهره اش گفتند و روایت شده از آن مخدره که گفت چون حامله شدم بفرزند بزرگوار خود، بهیچوجه ثقل حمل در خود احساس نمی کردم و چون بخواب می رفتم صدای تسبیح و تهلیل و تمجید حق تعالی از شکم خود می شنیدم، و خائف و ترسان می شدم. چون بیدار می گشتم صدا نمی شنیدم. چون آن فرزند سعادتمند از من متولد شد، دستهای خود را بر زمین گذاشت و سر مطهر خود را بسوی آسمان بلند کرد و لبهای مبارکش حرکت می کرد و سخنی می گفت که نفهمیدم و در آن ساعت امام موسی ع نزد من آمد و فرمود: گوارا باد ترا ای نجمه! کرامت پروردگار تو. پس آن فرزند سعادتمند را در جامه سفیدی پیچیدم و آنحضرت دادم. در گوش راستش اذان گفت و در گوش چپش اقامه گفت و آب فرات طلبید و کامش را بان برداشت، پس بدست من داد و فرمود: بگیر این را که بقیه الله است در زمین حجت خدا است بعد از من. روایت شده که حضرت امام موسی علیه السلام به پسران خود می فرمود که ای اولاد من! برادر شما: علی بن موسی عالم آل محمد است از او سؤال کنید معالم دین خود را. حفظ کنید فرمایشات او را. همانا شنیدم از پدرم که مکرر بمن می فرمود که عالم آل محمدص در صلب تو است و ایکاش من او را درك می کردم. همانا او همنام امیرالمؤمنین علی علیه السلام است. و شیخ صدوق از ابراهیم بن العباس روایت کرده که گفت: هرگز ندیدم که حضرت رضا علیه السلام کسی را بکلام خویش جفا کند و ندیدم که هرگز کلام کسی را قطع کند، یعنی در میان سخن او، سخنی گوید و رد نکرد حاجت احدی را که مقدور او بود بر آورد و هیچگامی در حضور کسی پا، دراز نفرمود و در مجلس، در محضر مردم تکیه نمی فرمود و هیچوقتی ندیدم او را که بیکی از غلامان خود، بد گوید و فحش دهد و هیچگامی ندیدم که آب دهان خود را دور افکند و هیچگامی ندیدم که در خنده خود قهقهه کند بلکه خنده او تبسم بود و چون خلوت می فرمود و خوان طعام نزد او می نهادند، ممالیک خود را تمام سرفسره می طلبید حتی دربان و میر اخور را و با آنها طعام میل میفرمود. و عادت آنجناب آن بود که شبها کم می خوابید و بیشتر شب را بیدار بود و روزه بسیار می گرفت و روزه سه روز از هر ماه که پنج شنبه اول ماه و پنج شنبه آخر ماه و چهارشنبه میان ماه باشد از او فوت نشد و می فرمود: روزه این روز، مقابل روزه دهر است. و آنحضرت کثیرالمعروف بود و در پنهانی صدقه بسیار می داد و بیشتر صدقات او در شبهای تار بود. پس اگر کسی ادعا کند که مثل آنحضرت در فضل دیده است پس تصدیق نکنید او را.

شب : ۱۵

شب مبارکی است. خداوند نظر مرحمت می فرماید بر بندگان مؤمن خود. و کسیکه در این شب بطاعت حق تعالی مشغول باشد از برای او باشد اجر صد نفر سائج که معصیت نکرده باشد خدا را طرقة العینی، چنانچه در روایت نبوی است. پس این شب را مغتنم شمار و مشغول کن خود را بطاعت و عبادت و نماز و طلب حاجت از خدا. همانا روایت شده که هر که سؤال کند در این شب حاجتی از خداوند تعالی باو عطا خواهد شد.

روز : ۱۵

هلاک بنی امیه: در این روز، سنه ۱۳۲، بنی عباس جمع کثیری از بنی امیه را در نهر اردن بقتل رسانیدند. پس از آن فرشی بر روی ایشان گسترانیدند و بطعام خوردن مشغول شدند در حالیکه بنی امیه ناله و اضطراب می نمودند و در تحت ایشان جان می دادند.

روز : ۲۳

در این روز، سنه ۲۰۳، بقولی **شهادت حضرت امام رضا علیه السلام** واقع شده و زیارت آنحضرت از نزدیک و دور سنت است. بدانکه از روزی که مأمون حضرت رضاع را ولیعهد خود کرد که روز ششم شهر رمضان باشد چنانچه گذشت اول ابتلا و گرفتاری آنحضرت شد چه آنکه مبتلا شد بمعاشرت مأمون منافق که به حسب ظاهر در تعظیم و احترام حضرت رضا علیه السلام می کوشید اما در باطن پیوسته کاسه های زهر بکام مبارکش می رسانید و در آخر کار چندان آنجناب بتنگ آمده بود که از خدا مرگ خود را می خواست چنانچه یاسر خادم روایت کرده که هر روز جمعه که آنحضرت از مسجد جامع مراجعت می کرد بهمان حالیکه عرق دار و غبار آلوده بود دستها را بدرگاه الهی بر می داشت و عرضه میکرد: بارالها! اگر فرج و گشایش کار من در مرگ من است، پس همین ساعت مرگ مرا برسان. و پیوسته در غم و حزن بود تا از دنیا رحلت کرد. در کیفیت شهادت آن جناب روایات، مختلف است و من اکتفا می کنم در اینجا بآنچه شیخ صدوق و مفید ذکر فرموده اند. ابن بابویه روایت کرده که چون امام رضاع با مأمون به جانب عراق می آمدند روزی آن جناب را تبتی عارض شد و اراده قصد کرد و مأمون از پیش، یکی از غلامان خود را که بروایت شیخ مفید، عبدالله بن بشیر نام داشت امر کرده بود که ناخنهای خود را بلند کند و به کسی هم اظهار نکند و چون شنید که حضرت اراده قصد دارد، زهری مانند تمر هندی بیرون آورد و بان غلام داد و گفت اینرا ریزه کن و با ناخنهای خود سرشته و خمیر کن و دست خود را بان آلوده گردان و میان ناخنهای خود را از آن پر کن و دست خود را مشوی و با من بیا. پس مأمون سوار شد و بعیادت آن حضرت آمد و نشست تا آن جناب را فصد کردند و بروایت دیگر نگذاشت و در خانه ای که حضرت می بود، بوستانی بود که درختان انار در آن بود. همان غلام را گفت که چند دانه انار بچین، چون چید و آورد، گفت اینها را برای حضرت رضا در جامی دانه کن و بروایت شیخ مفید گفت فشار بده و آبش را بگیر. پس آن جام را بدست شوم خود گرفت و نزد آن امام مظلوم گذاشت و گفت از این آب انار تناول کنید که برای شما نیکو است. حضرت فرمود الحال باشد، ساعتی دیگر بعد از رفتن شما. مأمون گفت نه بخدا سوگند البته باید در حضور من تناول نمائی و اگر نبود رطوبتی در معده من، هر آینه من نیز در خوردن با تو موافقت می کردم. پس بجز مأمون آن جناب چند قاشقی از آن تناول فرمود. پس مأمون بیرون رفت و حضرت در همان ساعت بقضای حاجت شتافت. راوی گفت که نماز عصر را نکرده بودیم که پنجاه مرتبه او را حرکت داد و از آن زهر قاتل، احشاء و امعای آن جناب بزیر آمد. چون این خبر به مأمون رسید، پیغام

فرستاد که این ماده ایست از فصد بحرکت آمده است ، دفعش برای شما نافع است و چون شب در آمد، حال آن جناب دگرگون شد و امر شدت گرفت و چون صبح گشت آن حضرت به ریاض رضوان انتقال فرموده بود و آخر کلامی که از آن جناب شنیده شده این آیه مبارک بوده : قل لو كنتم في بيوتكم لبرز الذين كتب عليهم القتل الى مضاجعهم و كان امر الله قدرا مقدورا و بروایت شیخ مفید، حضرت بعد از خوردن زهر، دو روز زنده بود و وفات کرد. پس مامون يك روز و يك شب ، وفات آن جناب را پنهان داشت .پس محمد بن جعفر صادق را با جماعت آل ابوطالب که حاضر بودند، طلبید و خبر وفات آن جناب را بایشان اظهار کرد و گریست و حزن شدید اظهار کرد. پس ایشان را بنزد آن جناب آورد و بدن آن حضرت را بایشان نمود و گفت گواه باشید که آسیبی از ما باو نرسیده است. پس با جنازه آن جناب خطاب کرد که ای برادر! بر من گران است که ترا بدین حالت به بینم و می خواستم که پیش از تو بمیرم و تو خلیفه و جانشین من باشی و لکن با تقدیر خدا چه می توان کرد. پس جنازه آن جناب را بعد از غسل و تکفین حرکت دادند و در همین موضعی که فعلا مدفون است ، دفن نمودند. قبر شریفش در خانه حمید بن قحطبه در قبله قبر رشید است و در وقت غسل و تکفین و نماز و دفن ، پسرش حضرت جواد علیه السلام حاضر بود و این امورات بر دست آن جناب واقع می شد و مردم نمی دانستند. در بعضی روایات است که مامون از ترس آنکه مبادا مردم فتنه کنند، جنازه حضرت را در شب حرکت داد و دفن نمود. صلوات الله علیه.

شب 25 :

این شب ، شب **دحوالارض** و از لیالی شریفه است که رحمت خدا در آن نازل میشود و قیام بعبادت در آن اجر بسیار دارد و از حسن و شایسته روایت است که گفت من با پدرم در خدمت امام رضا علیه السلام خوردیم در شب بیست و پنجم ماه ذی القعدة ، پس فرمود که امشب **حضرت ابراهیم و حضرت عیسی** متولد شده اند و زمین از زیر کعبه پهن شده است . پس هر که روزش را روزه بدارد چنان است که شصت ماه روزه داشته باشد

و بروایت دیگر است که فرمود: در این روز **حضرت قائم علیه السلام ، قیام خواهد فرمود.**

روز : ۲۵

روز **دحوالارض** است . یعنی روزیست که زمینها از زیر خانه خدا کشیده شدند و پهن شدند، چه آنکه اول موضعی که از زمین خلق شد، موضع خانه کعبه بوده و لهذا کعبه را ام القرى می گویند و اینروز از آن چهار روز است و هر که این روزه را روزه بدارد و شبش را بعبادت بسر آورد از برای او عبادت صد سال نوشته شود و از برای روزه دار اینروز، هر چه در میان آسمان و زمین است ، استغفار کند و این روزیست که رحمت خدا در آن منتشر گردیده و از برای عبادت و اجتماع بذكر خدا در این روز، اجر بسیار است و از برای این روز بغير روزه و عبادت و ذکر خدا، دو عمل وارد است:

1.نمازی که در کتب شیعه قمیین روایت شده و آن دو رکعت است در وقت چاشت ، در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سوره والشمس بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز بخواند: لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم . پس دعا کنید و بخواند: یا مقيل العثرات اقلنی عثرتی یا مجيب الدعوات اجب دعوتی یا سامع - الاصوات اسمع صوتی و ارحمنی و تجاوز عن سيئاتی یوما عندی یاذا الجلال و الاکرام .

2.خواندن این دعا است که شیخ روایت فرموده اللهم داحی الکعبه الخ . و محقق داماد در رساله اربعه ایام خود در اعمال روز دحوالارض گفته که زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در این روز افضل اعمال مستحبیه واکد آداب مسنونیه است.

و بدانکه در این روز یا روز بعد و بقولی در روز23 ، **خروج فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله ، بحجة الوداع** از مدینه با یکصد و چهار هزار یا یکصد و بیست و چهار هزار و حضرت فاطمه ع و تمامی زوجات نیز همراه بودند و از راه شجره حرکت فرمود و در ذوالحلیفه محمد بن ابی بکر متولد شد، اسماء بخدمت آن حضرت فرستاد که با نفاس چکنم ؟ حضرت دستورالعمل برای او فرمود.

و در این روز بنابر قولی در سنه ۱۲۵ ، **شهادت ابراهیم بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام ،** در باخمري واقع شد و من کیفیت شهادت او را در تمة المنتهى فی وقایع ایام الخلفاء نگاشته ام.

روز : ۲۹

روایت شده که در این روز **کعبه از آسمان نازل شده** و آن اول رحمتی است که از خدا نازل شده و هر که این روز را روزه دارد، کفاره هفتاد سال او باشد.

روز : ۳۰

شهادت حضرت جواد علیه السلام: در این روز، سنه ۲۲۰ ، بنابر مشهور حضرت امام محمد تقی علیه السلام بزهر معتصم شهید شد و این بعد از دو سال و نیم تقریبا از فوت مامون گذشته بوده ، چنانچه خود آن جناب می فرموده : الفرج بعد المامون بثلاثین شهرا و در وقت وفات از سن شریفش بیست و پنج سال و چند ماهی گذشته بود. قبر شریفش در کاظمین در پشت سر جد بزرگوارش حضرت امام موسی علیه السلام واقع است - صلوات الله علیهم.-

باب چهارم : وقایع و اعمال ماه ذی الحجة الحرام

بدانکه این ماه از ماههای شریفه است و چون این ماه واصل میشود، صلحای صحابه و تابعین اهتمام عظیم در عبادت میکردند و دهه اول آن ، ایامش ایام معلومات و در نهایت فضیلت و برکت است و از رسولخداص مرویست که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی نزد حق تعالی محبوب تر نیست از این دهه.

و از برای این دهه اعمال چند است:

1-روزه گرفتن نه روز اول این دهه که ثواب روزه تمام عمر را دارد.

2- خواندن دو رکعت نماز مابین مغرب و عشا در تمام شبهای این دهه در هر رکعت بعد از حمد یکمرتبه توحید و این آیه را بخواند: و واعدنا موسی که هر که چنین کند با ثواب حاجیان شریک خواهد بود.
 3- از روز اول تا روز عرفة در عقب نماز صبح و پیش از مغرب این دعا را بخواند چنانچه حضرت صادق علیه السلام میخوانده است : اللهم هذه الايام التي فضلتها الخ.
 4- در هر روز از دهه بخواند پنج دعائی را که جبرئیل برای حضرت عیسی هدیه آورده و آنجناب برای حواریین فضیلت خواندن آنها شرح داده است.
 5- بخواند این تهلیلات مبارک علویه را و اگر روزی ده مرتبه بخواند بهتر است و از برای آن فضیلت بسیاری ذکر شده - لا اله الا الله عدد اللیالی و الدهور و چون این ماه دارای ایام شریفه و اعمال بسیار است ، شایسته است که مردم اهتمام کنند در طلب هلال آن و اعمال شب و روز اول ماه را که در مقدمه گذشت ، بجا آورند.

روز : ۱

روز بسیار مبارکی است و در آن چند عمل وارد است:

1- روزه که ثواب هشتاد ماه دارد.

2- خواندن نماز حضرت فاطمه ع است و شیخ فرمود که روایت شده که آن چهار رکعت است بدو سلام ، مثل نماز امیرالمؤمنین ع در هر رکعت حمد یکمرتبه و توحید پنجاه مرتبه و بعد از سلام ، تسبیح آن حضرت بخواند و بگوید: سبحان ذی العز الخ
 3- نمازی است که سید از کتب قمیین روایت کرده و آن دو رکعت است پیش از زوال به نیم ساعت . در هر رکعت حمد یک مرتبه و هر یک از توحید و آیه الکرسی و انا انزلناه ده مرتبه.
 4- هر که از ظالمی بترسد در این روز بگوید : حسبی حسبی من سنوالی علمک بحالی تا حق تعالی کفایت کند شر ظالم را از او.

ولادت ابراهیم خلیل الله: بدانکه در اینروز تولد حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام واقع شد

و هم در این روز بروایت شیخین **تزویج شد فاطمه به امیرالمؤمنین ع.**

عزل ابوبکر از ابلاغ برائت، و مأموریت مولا: در این روز، سنه ۹، رسولخداص ابوبکر را فرستاد بسمت مکه که آیات اوائل سوره برائت را بر کفار مکه بخواند. پس از رفتن او، جبرئیل نازل شد که اداء این امر باید بدست تو یا بدست مردی که از تو باشد، بشود و بروایت دیگر باید علی علیه السلام ، تبلیغ کند از جانب تو. پس رسولخداص ، امیرالمؤمنین ع را که بمنزله جانش بود از برای این امر اختیار کرد و با وی فرمود که شتاب فرمای و آیات برائت را از ابوبکر بگیر و خود در موسم حج مردمان قرائت کن و هم ایشان را ابلاغ کن که هیچ کس به خانه خدا در نیاید الا آنکه مؤمن باشد و هیچ عریان ، طواف خانه نکند و چنان نداند که چون برهنه باشد مانند کودک مادرزاد از مساوی و معائب عریان خواهد بود و دیگر آنکه از پس این سال هیچ مشرک ماءذون نیست که حج بگذارد و دیگر آنکه هر کافری که از خدا و رسول عهدی مؤجل داشته باشد در عهد خویش بپاید تا مدت منقضی شود و اگر او را عهدی نباشد تا مدت چهار ماه در زینهار است یعنی از دهم ذی الحجه تا دهم ربیع الآخر و اگر از این پس مسلمانی نگیرد، جان و مال او بهدر خواهد بود و فرمود ابوبکر را در امر خود مختار کن ، اگر خواهد ملازم خدمت تو باشد و اگر نه ، بمدینه برگردد. پس نافع غضبا را بامیرالمؤمنین ع داد تا برنشست و با جابرین عبدالله حرکت فرمود. روز دوم بابی بکر رسید و آیات برائت را از وی بگرفت و او را در آمدن و برگشتن مختار کرد. ابوبکر بمدینه برگشت و بحضرت رسول ص عرض کرد که مرا از برای کاری اهل و لایق دانستی که گردنها بسوی آن کشیده شده بود، چون پاره ای راه رفتم مرا معزول ساختی . پیغمبر ص فرمود: من ترا معزول نساختم بلکه خدا ترا معزول ساخت. از آن طرف ، علی مرتضی ، آیات را بگرفت و پست و بلند زمین را در هم نوردید تا بمکه رسید و اعمال حج بجا آورد و در سه روز تشریق در مجتمع کفار و مشرکین که تمام دلها از بغض و عداوت علی آکنده بودند، هر صبح و شام آیات برائت و فرمایشات رسولخداص را بر مردم تبلیغ فرمود و پس از انجام امر، از مکه مراجعت فرمود ولکن در طریق اقتصاد سیر میفرمود. از زمانی که علی ع حرکت کرده بود، وحی در باب علی از رسول خداص منقطع شد و حضرت رسول ص پیوسته یاد آنحضرت بود و بجهت کثرت حزن و اندوه بر علی از زنها کناره کرده بود و آثار حزن و اندوه بر صورت مبارکش ظاهر گشته بود. صحابه با خود گفتند، نمیدانیم سبب غم پیغمبر چیست ؟ آیا خبر فوت او از آسمان رسیده یا مریض گشته ؟ یا از ما دلتنگی پیدا کرده ؟ چون ابوذر در نزد رسول خداص ، خیلی مقام داشت او را برای تحقیق این امر، خدمت آنحضرت فرستادند . ابوذر کلمات اصحاب را عرضه داشت . فرمود غم برای هیچکدام از اینها نیست بلکه برای مفارقت علی علیه السلام است. ابوذر چون سبب غم پیغمبر را دانست ، روزی بجهت اطلاع از حال علی ع از مدینه حرکت کرد باستقبال امیرالمؤمنین ع چون پاره ای راه پیمود، آن جانب را دیدار کرد که از مکه برگشته . با آن حضرت دیدنی کرد و عرض کرد که پدر و مادرم فدای تو باد، آهسته تشریف بیاور تا من پیشتر بروم و بشارت آمدن شما را به پیغمبر ص بدهم ، همانا رسولخداص از مفارقت تو، در غم و اندوه است. امیرالمؤمنین ع خواهش او را قبول فرمود. ابوذر تعجیل کنان بخدمت رسول خداص رسید و بشارت داد آنحضرت را بورود علی علیه السلام . پیاده شد و امیرالمؤمنین ع را در برگرفت و با او معانقه کرد، پس صورت بشانه علی ع گذاشت و از شوق بگریست و آنحضرت نیز بگریه در آمد. پس حضرت رسول ص فرمود بعلی که پدر و مادرم بقرابت باد، چه کردی در مکه . همانا وحی از من در امر تو منقطع شد. پس امیرالمؤمنین ع خبر داد بانحضرت آنچه بجا آورده بود.

هلاک طاغوت یزید بن عبد الملك: در این روز، سنه ۱۲۶، یزید بن الولید بن عبدالملك در دمشق وفات کرد و مدت خلافتش پنج ماه بوده و در ایام خلافت خود بر طریقه عمر بن عبدالعزیز سلوک کرد و او را ناقص میگفتند بجهت آنکه موجب خود را ناقص و کم کرد و عبارت معروفه الناقص والاشبح اعدلا بنی مروان اشاره باو و بمعمرعبدالعزیز است.

روز : ۲

شیخ بهائی فرمود که روز زینت است که موسی ع غلبه کرد بر ساحران ، هنگامی که عصای خود را افکند.

روز : ۵

در این روز، سنه ۲۲۰، بقولی **شهادت حضرت جواد علیه السلام** واقع شده و مشهور آخر ذی القعدة است.

روز : ۶

ولادت حضرت مولا در کعبه: بناه آوردن جناب فاطمة بنت اسد به خانه کعبه؛ و شکافته شدن دیوار کعبه و وارد شدن جنابش به داخل کعبه و ولادت حضرت مولا علی علیه السلام در کعبه، هر این تاریخ در نزد خواص اهل حق مکتوم مانده و در کتب تواریخ کمتر ذکر شده ولی در حدیث مفصل ولادت حضرت؛ که همه اهل حدیث و تاریخ آنرا ذکر کرده اند، به وضوح شرح این واقعه در این تاریخ بیان شده است.

در این روز، بنا بر روایتی تزویج فاطمه ع به امیرالمؤمنین ع شده.

هلاک طاغوت منصور دوانیقی: در این روز، سنه ۱۵۸، منصور دوانیقی در طریق مکه وفات کرد و در حجون بھاك رفت و منصور در بین بنی عباس، شباهت تمام داشت به هشام بن عبدالملك در میان بنی امیه، چه آنکه در امور سیاسی تقلید هشام را می کرد و منصور مردی بخیل ممسك بوده و بیست سال الاكسری خلافت کرد و بغداد از بناهای او است و او مردی بیرحم بود و از آل ابوطالب بسیار شخص بکشت و حضرت صادق علیه السلام و عیدالله محض و حسن مثلث و بسیاری از بنی الحسن را او شهید کرد و شاید در روز ۲۶ محرم برخی از آن اشاره شود. انشاء الله تعالی.

روز : ۷

روزی است که حضرت موسی ع بر ساحران غلبه کرد.

در این روز، بقول کفعمی و شهید در سنه ۱۱۴، وفات حضرت باقر علیه السلام واقع شد. شیخ کلینی و دیگران از حضرت صادق ع روایت کرده اند که فرمود: پدرم را بیماری صعبی عارض شد که مردم بر ر آنحضرت خائف شدند و اهل بیت آن حضرت گریان گردیدند. حضرت فرمود: که من در این مرض نخواهم رفت زیرا که دو کس نزد من آمدند و مرا چنین خبردادند. پس، از آن مرض صحت یافت و مدتی صحیح و سالم ماند. پس روزی مرا طلبید و فرمود: جمعی از اهل مدینه را حاضر کن. چون ایشان را حاضر کردم، فرمود: که ای جعفر! چون من بعالم بقا، رحلت کنم مرا غسل ده و کفن کن و قبر مرا چهار انگشت از زمین بلند گردان و آب بر قبر من بریز و اهل مدینه را گواه گرفت. چون ایشان رفتند، گفتم ای پدر! آنچه میفرمودی بعمل می آوردم و احتیاج بگواه نبود. فرمود: ای فرزند! برای این گواه گرفتم که بدانند توئی وصی من و در امامت باتو نزاع نکنند. گفتم ای پدر بزرگوار! من امروز شما را از همه روز صحیح تر می یابم و آزاری در شما مشاهده نمی نمایم. فرمود: آن دو کس که مرا در آن مرض خبر دادند که صحت می یابم در این مرض بنزد من آمدند و گفتند بعالم بقا، رحلت مینمائی و بروایت دیگر فرمود: که ای فرزند گرامی! مگر نشنیدی که حضرت علی بن الحسین ع از پس دیوار مرا ندا کرد که ای محمد بیا، زود باش که ما انتظار تو را میکشیم. روایت شده که آنحضرت هشتصد درهم برای تغذیه و ماتم خود و وصت فرمود و از حضرت صادق ع مرویست که پدرم گفت: ای جعفر! از مال من وقفی بکن برای ندبه کنندگان که دهسال درمنی در موسم حج بر من گریه کنند و رسم ماتم را تجدید نمایند. بالجمله، آنحضرت را بظهر شهید کردند و آیا قاتل آنحضرت، هشام بن عبدالملك است یا ابراهیم بن الولید اختلاف است و در بعضی روایات است که عبدالملك مروان، زینی فرستاد در مدینه و بر اسب زدند و حضرت باقر علیه السلام سوار شد و در آن زهری تعبیه کرده بودند. پس بدن مکرمش ورم کرد و آثار موت در خود مشاهده نمود. سپس وصیت خود را فرمود و به روز در درد و الم بود و در روز سوم از اثر زهر شهید شد. این روایت مخالف اقوام مشهوره و تواریخ مضبوطه است چه آنکه عبدالملك در سنه ۸۶ وفات کرد و وفات حضرت باقر علیه السلام را از سال صدوچهارده تا صدوهفده ذکر کرده اند و آن در ایام خلافت هشام بن عبدالملك بوده و شاید از روایت لفظ هشام سقط شده باشد و آن زین زهر آلود را هشام بن عبدالملك فرستاده باشد. والله العالم.

در این روز، سنه ۱۷۹، حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را وارد زندان بصره کردند و عیسی بن جعفر ابن ابیجعفر منصور، تسلیم کردند. عیسی آنحضرت را در یکی از حجرات خانه خود که نزدیک بدیوانخانه بوده محبوس کرد و مشغول فرح و سرور عید گردید. از یکی از کاتبان او که نصرانی بوده نقلشده که میگفت این عبد صالح و بنده شایسته خدا یعنی موسی بن جعفر علیه السلام در این ایام که در این خانه، محبوس بود چیزی چند شنید از لهو و لعب و ساز و خوانندگی و انواع فواحش و منکرات که گمان ندارم هرگز بخاطر شریفش آنها خطور کرده باشد. مدت یکسال در بصره محبوس بود. پس آنجنابرا ببغداد بردند و در نزد فضل بن ربیع حبس کردند.

روز : ۸

روز ترویه است و در این روز حجاج نیت حج تمتع کنند و محرم شده از مکه بسمت منی و شب را در آنجا بیتوته کنند و صبح عرفه بجانب عرفات روند و روزه این روز، فضیلت دارد و کفاره شصت سال روایت شده.

قیام مسلم: در این روز، سنه ۶۰، مسلم بن عقیل در کوفه خود را ظاهر کرد و اصحاب خود را امر بخروج فرمود. باندک زمانی از اصحاب مسلم مسجد و بازار مملو شد و دور قصرالاماره را گرفتند و کار را بر ابن زیاد تنگ کردند. اتباع ابن زیاد کوفیانرا تخویف و انداز کردند و از معاونت مسلم ایشانرا سست گردانیدند. کوفیان بنای نفاق و تفرق نهادند و پیوسته از دور مسلم پراکنده شدند تا شب داخل شد و از آنجماعت باقی نماند جز سی نفر. مسلم نماز مغرب را در مسجد بجا آورد و چون از مسجد پای بیرون نهاد، دیگر کسی با او نبود. پس تنها متحیرانه در کوچه های کوفه می گردید تا بدر خانه طوعه رسید و آن زنی بود که بانتظار پسر خود بر در خانه خویش ایستاده بود. مسلم را چون نظر بروی افتاد سلام کرد و شربت آبی طلبید. طوعه آب آورد. مسلم آشامید و آنجا نشست. طوعه ظرف آبرای بخانه برد و گذاشت و برگشت. مسلم را آنجا نشسته دید. عرض کرد: ای بنده خدا مگر آب نیاشامیدی؟ فرمود: بلی. گفت: برخیز بخانه خود برو. مسلم جواب نفرمود. دوباره اعاده کرد. جواب نشنید، تا دفعه سوم گفت: سبحان الله! ای بنده خدا برخیز، بسوی اهل خود برو، چه بودن تو در این وقت شب بر در خانه من

شایسته نیست و من هم حلال نمی کنم . مسلم برخواست و فرمود: یا امة الله ! مرا در این شهر، خانه و خویشی و یاری نیست . غریم و راه بجائی نمی برم . آیا ممکنست بمن احسانی کنی و مرا در خانه خود، پناه دهی و شاید من بعد از این مکافات کنم . عرض کرد قضیه شما چیست ؟ فرمود: من مسلم بن عقیل هستم که کوفیان مرا فریب دادند و دست از یاری من برداشتند و مرا تنها و بیکس گذاشتند. طوعه ، مسلم را بخانه آورد و شب عرفه را در خانه طوعه بود. روز عرفه ، لشکر آمدند برای قتال او و با او محاربه کردند تا آنکه آنجناب را دستگیر کردند بتفصیلی که مقام ، گنجایش نقل ندارد.

ورود کروه یزید برای ترور امام حسین در مکه: در همان روز، بعینه عمرو بن سعید بن العاص با جماعت بسیاری ، بپناه حج بمکه آمدند و از جانب یزید ماءمور بودند که امام حسین ع را در مکه بهر حال که باشد بگیرند و بنزد یزید ببرند یا آنکه او را بقتل رسانند.

حرکت امام حسین به سوی عراق: لاجرم امام حسین ع احرام حج را بعمره عدول فرمود و طواف خانه و سعی ما بین صفا و مروه بجای آورد و محل شد و متوجه عراق گردید. ابن عباس گفته که پیش از آنکه متوجه عراق گردد، بر در کعبه ایستاده بود و دست جبرئیل در دست او بود و جبرئیل ندا می کرد مردم را :هلمو الی بیعة الله و خطبه آنحضرت : خط الموت علی ابن آدم و کلمات آن جناب با برادرش محمد حنفیه و مکالماتش با عبادله در وقت حرکتش بسمت عراق در جای خود بشرح رفته است.

شب : ۹

شب عرفه: این شب ، از لیالی متبرکه و شب مناجات با قاضی الحاجات است و توبه در آن شب مقبول و دعا در آن مستجاب است و کسی که آن شب را بعبادت بسر آورد، اجر صد و هفتاد سال ، عبادت داشته باشد و از برای آن شب چند عمل است:

1. بخواند: اللهم یا شاهد کل نجوی الخ.
2. بخواند تسبیحات عشر را که سید در اقبال ذکر کرده.
3. بخواند دعای اللهم من تعباً و تهنیاً را که در روز عرفه و شب های جمعه نیز وارد است.
4. زیارت کند زمین کربلا را و بماند در آنجا تا روز عید تا آنکه از شر آن سال نگاه داشته شود.

روز : ۹

این روز، **روز عرفه** و از اعیاد عظیمه است اگر چه عید نامیده نشده است و روزیستکه حق تعالی ، پندگان خود را بعبادت و اطاعت خویش خوانده و موائد جود و احسان خود را برای ایشان گسترانیده و وعده فرموده ایشان را بامرزش گناهان ایشان و پوشانیدن عیبهایشان و از برای این روز اعمالی چند است:

1. غسل
2. زیارت امام حسین علیه السلام و اگر کسی توفیق یابد که در این روز، در تحت قبه مقدسه آن حضرت باشد ثوابش کمتر نیست از کسی که در عرفات باشد، بلکه زیاده است.
3. بعد از نماز عصر پیش از آنکه مشغول بخواندن دعاهاى عرفه شود دو رکعت نماز بجا آورد در زیر آسمان و اعتراف کند نزد حق تعالی بگناهان خود تا فایز شود بثواب اهل عرفات و گناهانش آمرزیده گردد شیخ کفعمی بعد از این دو رکعت فرمود که دو رکعت دیگر بجا آورد: در رکعت اول حمد و توحید و در دوم حمد و حجد پس از آن ، چهار رکعت دیگر بجا آورد در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید که این چهار رکعت نماز بعینه نماز امیر المومنین ع است که فضیلت بسیار دارد.
4. دعای 47 صحیفه کامله را بخواند.
5. دعای عرفه سید الشهداء را بخواند.
6. بخواند تسبیحاتی را که کفعمی نقل کرده و فرموده که ثواب آن از کثرت ، احصا نمیشود و اول آن : سبحان الله قبل کل احد است.
7. بخواند دعاهاى عرفه را که وارد شده از حضرت رسول و علی بن الحسین و حضرت صادق و کاظم علیهم السلام و سید در اقبال ذکر فرموده.

بالجمله کسی که توفیق یابد و امروز در عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار دارد و بهترین اعمال در این روز، دعا است و در تمام ایام سال این روز شریف بجهت دعا امتیازی دارد، لاجرم دعاهاى بسیار برای این روز، وارد شده و بسیاری از آنها را علامه مجلسی در زادالمعاد نقل فرموده و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد و روایت وارده در حال عبدالله بن جندب رحمه الله در موقف عرفات و دعای او برای برادران مؤمن خود، مشهور است و رجاء و اثق از برادران دینی آنکه این مجرم رو سپاه را در حال حیات و ممات از دعا فراموش نکنند.

عمل ام داود در این روز، بجا آوردن نیکو است و احادیث در باب روزه این روز مختلف است و اکثر علما جمع کرده اند ما بین احادیث باینکه اگر در ماه اشتباه نباشد و روزه او را از دعا کردن ضعیف نگرداند، سنت است والا مکروه است . یعنی ثوابش کمتر است و سید از برای این روزه ، دوازده رکعت نماز نقل کرده به حمد و آیه الكرسی و توحید و بعد از سلام دعای مختصری چنانچه در اقبال است و از برای آخر روز عرفه این دعا را نقل کرده : یا رب ان ذنوبی لا تضرک و ان مغفرتک لی لا تنقصک فاعطنی مالا ینقصک و اغفرلی مالا تضرک .

ایضا در عشیه عرفه بخواند : اللهم لا تحرمنی خیر ما عندک لشر ما عندی فان انت لم ترحمنى بتعبی و نصبی فلا تحرمنی اجر المصاب علی مصیبه .

گفته شده که در این روز، توبه آدم قبول شده و حضرت ابراهیم و حضرت عیسی متولد شده اند و توبه بر داود نازلشده.

در این روز، سنه ۶۰، شهید شد مسلم بن عقیل و هانی ابن عروه رحمه الله علیهما.

در این روز، اصحاب رسولخداص ماءمور شدند که درهای خانه های خود را که بمسجد آنحضرت باز می شد ببندند، مگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام.

شب : ۱۰

این شب ، از لیالی متبرکه و از جمله چهار شبی است که احیای آنها سنت است و درهای آسمان در این شب سنت است زیارت امام حسین علیه السلام و زیارت مخصوصه آنحضرت را در هدیه ذکر کردم و دعای یا دائم الفضل که در شب عید فطر ذکر شد در این شب نیز، ده مرتبه خوانده می شود.

روز : ۱۰

روز **عید اضحی** است و بسیار روز شریفی است و ما، در عید فطر بمختصری از آداب عید اشاره کردیم و در این جا نیز چند عمل مذکور میشود:

1. غسل است که در این روز سنت مؤکد است و بعضی از علما واجب دانسته اند.
2. نماز عید است به همان نحو که در عید فطر ذکر شده ، لکن در این روز مستحب است که افطار بعد از نماز از گوشت قربان شود و سید در اقبال در بین نماز این عید، دعاهاى مخصوصی ذکر کرده.
3. خواندن دعاهائی است که وارده شده پیش از نماز عید و بعد از نماز آن و بهترین دعاهاى این روز دعای ۴۸ صحیفه است : اللهم هذا يوم مبارك الخ و اگر دعای ۴۶، یا من یرحم من لا یرحمه العباد را نیز بخواند، خوب است.
4. خواندن دعای ندبه است.
5. قربانی است که سنت مؤکد است.
6. خواندن تکبیرات است برای کسی که در منی باشد عقب پانزده نماز که اولش نماز ظهر روز عید است و آخرش نماز صبح روز سیزدهم و کسانی که در سایر شهرها هستند، بخوانند عقب ده نماز از ظهر روز عید تا صبح دوازدهم و تکبیرات اینست:
الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر الله اکبر و الله الحمد لله اکبر علی ما هدینا الله اکبر علی مارزقنا من بهیمه الانعام و الحمد لله علی ما ابلانا . و مستحب است تکرار این تکبیرات ، عقب نمازها بقدر امکان و خواندن بعد از نوافل نیز.



کوه

طور سیناء

والحمد لله رب العالمین